



باز خورد یک رویکرد ارزیابی دانشجو معلمان از سرفصل‌های رشته آموزش شیمی

گفت‌وگو و گزارش: دکتر مهشید گلستانه
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، اصفهان

اشاره

حدود سه دهه از حرکت بزرگ ایجاد تغییر در نظام آموزشی کشور می‌گذرد. برنامه‌ریزان در عرصه آموزش، نیک می‌دانستند که تحقق سیاست‌های کلی در این زمینه را باید در دو مسیر دنبال کنند؛ نخست، تغییر در محتوای کتاب‌های درسی که ابزار اولیه در آموزش به شمار می‌روند و دیگری، آموزش نیروی انسانی کارآمد. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان در سراسر کشور در نخستین گام، پس از معرفی کتاب‌های درسی جدید به جامعه آموزشی، اقدامی در همین زمینه بود اما کارشناسان به این اقدام بسنده نکردند و در حرکتی بنیادی، درصدد تغییر در برنامه‌های آموزشی و مواد درسی دانشگاهی برآمدند تا زمینه برای تربیت معلمانی سرآمد و شایسته از دید علمی، اخلاقی و حرفه‌ای فراهم شود. در این راستا رشته کارشناسی آموزش شیمی به جای دبیری شیمی تعریف شد و سرفصل‌های آن با مشارکت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران عرصه آموزش، چنان تنظیم شد که به‌عنوان برنامه‌ای درسی بر پایه تربیت نیروی انسانی شایسته و حرفه‌مدار، مورد تأیید باشد. این برنامه در مهرماه ۱۳۹۶ تصویب و برای اجرا به دانشگاه فرهنگیان ابلاغ شد. جهت بررسی میزان اثرگذاری این اقدام، با شماری از دانشجو معلمان رشته آموزش شیمی، در دو پردیس خواهران و برادران دانشگاه فرهنگیان اصفهان، به گفت‌وگو نشستیم و دیدگاه‌های آنان را درباره چالش‌های برنامه آموزشی شایسته‌مدار جویا شدیم.

• چرا تحصیل در رشته آموزش شیمی را انتخاب کرده‌اید؟

کریمی‌زاده: انتخاب من بعد از پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی، رشته‌های دانشگاه فرهنگیان بود. وقتی در آن رشته‌ها پذیرفته نشدم رشته آموزش شیمی را انتخاب کردم.

محمودزاده: من هم، چون در رشته پزشکی پذیرفته نشدم، تصمیم گرفتم رشته‌های دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کنم. رشته آموزش شیمی را هم به این دلیل انتخاب کردم که در استان ما تنها برای رشته آموزش شیمی و آموزش ابتدایی اعلام نیاز شده بود در حالی که من ترجیح می‌دادم رشته آموزش زیست‌شناسی را انتخاب کنم. به دلیل عدم اعلام نیاز منطقه، آموزش شیمی را انتخاب کردم. در واقع می‌توان گفت که ما انتخاب نکردیم بلکه انتخاب شدیم!

یاوری: من هم با توجه به رتبه کنکورم ناچار به انتخاب رشته‌های دانشگاه فرهنگیان شدم.

عمیدی‌فر: وقتی رتبه مناسب رشته پزشکی را نیاوردم، از بین دو رشته پرستاری و دانشگاه فرهنگیان، رشته آموزش شیمی را انتخاب کردم، اگرچه که شهر محل خدمتم با شهر محل زندگی‌ام متفاوت بود.

احمدی: من دانشجوی تکمیل ظرفیت هستم. قبل از آن، دانشجوی رشته علوم آزمایشگاهی دانشگاه اصفهان بودم و با یک ماه تأخیر، وارد دانشگاه فرهنگیان شدم. زمان انتخاب رشته بیشتر به توصیه مادرم - که شغلی مرتبط با آموزش و پرورش داشت و به واسطه تجربه‌هایی که در تدریس درس‌هایی مانند نقاشی، خلاقیت و ... داشتم - رشته آموزش شیمی را به خاطر علاقه به انجام کارهای عملی و آزمایشگاهی انتخاب کردم.

دهقانی: واقعیت این است که هرچند به خاطر رتبه کنکورم رشته آموزش شیمی را انتخاب کردم اما به این رشته بی‌علاقه هم نبودم. من در خانواده‌ام که فرهنگی بودند، مشکلات مربوط به این حرفه را از نزدیک دیده بودم و ترجیح می‌دادم که داروسازی قبول شوم. چون وجهه اجتماعی بالاتری داشت و هم با انتظاری که خانواده‌ام از من داشت، سازگارتر بود. یادم هست یک بار به دبیر شیمی سال سوم دبیرستانم گفتم که من در آینده یا داروسازی می‌خوانم یا مثل شما دبیر شیمی می‌شوم. اگر رتبه کنکورم غیر از این می‌شد، آموزش شیمی را انتخاب نمی‌کردم هرچند بی‌علاقه به این رشته هم نبودم. من دوست داشتم در رشته‌ای درس بخوانم که بعداً فایده‌ای برای جامعه داشته باشد. از سویی، از تحصیل طولانی مدت متنفر بودم و چون احساس می‌کردم در رشته شیمی باید دست کم ۸ تا ده سال درس بخوانم تا بتوانم هیئت علمی و مدرس دانشگاه شوم و با توجه به سختی‌هایی که راجع به رشته شیمی شنیده بودم، آموزش شیمی را انتخاب کردم.

نکونام: من هم مثل بیشتر دانش‌آموزانی که در رشته تجربی درس می‌خوانند علاقه‌مند به رشته‌های پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی بودم اما متناسب با رتبه‌ام، آموزش شیمی را

اینکه خانواده‌ها مهم‌ترین سرمایه‌زندگی‌شان یعنی فرزندان‌شان را به ما می‌سپارند، برای ادامه راهی که انتخاب کرده بودم، به من انگیزه داد

انتخاب کردم.

شجاعی‌مهر: من هم با توجه به رتبه‌ام، در پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی پذیرفته نشدم و چون نمی‌توانستم یک سال پشت کنکور بمانم و ناگزیر به انتخاب رشته بودم، آموزش شیمی را انتخاب کردم. البته در بین دوستان و همکلاسی‌هایم کسانی هم هستند که برای انتخاب رشته آموزش شیمی، یک سال پشت کنکور مانده‌اند.

• عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل شما در رشته آموزش شیمی چیست؟

کریمی‌زاده: عامل بازدارنده مهم که باعث شده دانشجویان نتوانند انصراف دهند، جریمه سه‌برابری است که باید پرداخت کنند به طوری که، از کلاس ۲۷ نفری ما تنها یک نفر در ترم اول انصراف داد. یکی از عواملی که باعث شد من از رشته آموزش شیمی واقعا لذت ببرم، درس کارورزی ۱ و ۲ و حضور سر کلاس درس بود. برای من این فعالیت‌های جانبی، از جمله فعالیت‌های پژوهشی باعث جذابیت رشته و دور شدن از یکنواختی بود.

محمودزاده: تقریباً کل خانواده ما فرهنگی بودند و من کاملاً آگاه بودم که چه حرفه‌ای را انتخاب می‌کنم. اما به دلیل اینکه امروزه شأن و منزلت اجتماعی معلمان در حد واقعی نیست، معلمی را صرفاً به‌عنوان یک علاقه دوست داشتم نه به‌عنوان یک حرفه. شاید مهم‌ترین عاملی که باعث شد علاقه من به رشته‌ام بیشتر شود درس کارورزی بود. اینکه خانواده‌ها مهم‌ترین سرمایه‌زندگی‌شان یعنی فرزندان‌شان را به ما می‌سپارند، برای ادامه راهی که انتخاب کرده بودم، به من انگیزه داد.

یاوری: در این سه سال هیچ انگیزه‌ای پیدا نکردم. من همیشه به محیط‌های آموزشی علاقه داشته و دارم و با شغل و رشته‌ام مشکلی ندارم اما با محیط دانشگاه مشکل دارم.

عمیدی‌فر: دیدن موفقیت و تلاش‌های برخی از استادان برای من یک عامل انگیزشی بود. یکی از استادان ما در درس شیمی آلی، شرکتی دانش‌بنیان تأسیس کرده بود که در آن مواد و وسایل آزمایشگاهی تولید می‌کرد. برای من مایه امیدواری بود که در آینده می‌توانم چنین کارهایی انجام دهم. آنچه باعث شد رشته آموزش شیمی را به جای شیمی انتخاب کنم هم، آرامش خاطر و تضمین شغل آن در آینده بود چون افراد زیادی را می‌شناختم که با وجود داشتن مدرک دکترای شیمی از دانشگاه‌های معتبر، ناچار بودند به‌صورت حق‌التدریسی در دانشگاه‌ها تدریس کنند، یا افرادی که مدرک



امین کریمی‌زاده
دانشجوی ترم ۷ آموزش شیمی
پردیس شهید باهنر اصفهان

درس‌های مهمی مانند راهبردهای تدریس در آموزش شیمی، اغلب به صورت ارائه کنفرانس و به شیوه سخنرانی، توسط دانشجویان برگزار می‌شود و سرفصل‌ها هم به‌طور کامل پوشش داده نمی‌شود



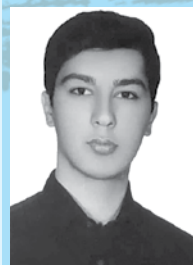
دکتر مهشید گلستانه
استادیار گروه آموزش شیمی
دانشگاه فرهنگیان اصفهان

کارشناسی ارشد یا دکترا دارند و در آزمون استخدامی ماده ۲۸ آموزش و پرورش شرکت می‌کنند. بنابراین اطمینان از شغل آینده برای من مهم بود.

احمدی: زمانی که من با تأخیر وارد دانشگاه شدم بسیار ناامید بودم. حضور استادانی از جمله استاد گلستانه و استاد اگر می‌بود که به من انگیزه می‌داد. من به دلیل مقایسه‌ای که بین دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه اصفهان داشتم متوجه کمبودهایی در انجام فعالیت‌های پژوهشی شدم. اولین عامل ایجاد انگیزه برای من این است که وقتی معلم شدم به دانش‌آموزانم یاد بدهم که زیر بار ظلم نروند. چیزی که در اینجا بارها مشاهده کرده‌ام این بوده است که «همین هست که هست؛ باید با همین کنار بیایی». اما سؤال من این است که چرا نباید شرایط بهتر شود و چرا نباید از تجربه‌های دانشگاه‌های دیگر استفاده کرد؟ نکته دیگر این است که نمی‌خواهم زمانی که معلم شدم با سختگیری‌های بی‌مورد، دانش‌آموزانم را از درس دل‌زده کنم. برای نمونه دانستن مفهوم مول برای دانش‌آموزی که نمی‌خواهد در زمینه شیمی ادامه تحصیل دهد و شغل آینده‌اش در راستای شیمی نیست، ضرورتی ندارد. گاهی سختگیری‌های معلم برای کسب امتیازی برای کار خودش هست و من این را نمی‌پسندم. مرکز شهید رجایی در یک سال گذشته، قدم‌های مثبتی برداشت که اشتراک پایگاه الزویر از آن جمله بود و مواردی از این دست برای ادامه این رشته به من انگیزه داد.

دهقانی: بیش از هر چیز، باید اشاره کنم که امسال به دلیل پذیرش زیاد دانشجوی، کیفیت دانشگاه افت داشته است. از صف‌های طولانی غذا گرفته تا انتظار برای دریافت کتابی که به امانت داده شده در کتابخانه و موارد دیگری از این دست. من فکر می‌کنم اگر قرار باشد به بهانه کمبود معلم، کیفیت تربیت معلمان آینده این‌قدر افت کند دیگر من انگیزه‌ای نخواهم داشت تا به دوستم که قرار است امسال کنکور دهد توصیه کنم که دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کند. من اگر انگیزه‌ای پیدا کردم از درون خودم نتیجه گرفته است چون دوست دارم وقتی که وارد جامعه کاری می‌شوم یک معلم خوب باشم. انگیزه را خودم با کمک استادان و دوستانم ایجاد کرده‌ام و امیدوارم که با گذراندن درس کارورزی این انگیزه بیشتر هم بشود.

نکونام: من از اول که این رشته را انتخاب کردم خیلی ناامید نبودم و با این موضوع و شرایط موجود کنار آمدم. اما در طول این سه ترم، محیط دانشگاه به گونه‌ای نبوده است که انگیزه مرا افزایش دهد.



حسین محمودزاده
دانشجوی ترم ۷ آموزش
شیمی پردیس شهید
باهر اصفهان

باید مطالب کتاب‌های درسی دبیرستان به صورت پیشرفته‌تر و تخصصی‌تر آموزش داده شود تا معلم به دانش تخصصی مجهز شود

شجاعی‌مهر: در این ترم با شروع درس‌های تخصصی، انگیزه من افزایش یافته است. درس‌های پایه در دو ترم اول، تکرار همان درس‌های دبیرستان بود اما در این ترم، تازه احساس می‌کنیم دانشجو شده‌ایم. من فکر می‌کنم که تمام دانشجویانی که دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کرده‌اند به معلمی علاقه داشته‌اند و نمی‌توان گفت که کسی بدون علاقه آمده است ولی خیلی‌ها انگیزه لازم را ندارند. آن هم به این دلیل است که حرفه معلمی، امروزه شأن و جایگاهی را که باید داشته باشد، ندارد. از سوی دیگر مشکلاتی هم در پذیرش دانشجو وجود دارد که به این بی‌انگیزگی دامن می‌زند. برای نمونه در یک کلاس، دانشجویی که رتبه کنکورش ۱۰۰۰ بوده، در کنار دانشجویی نشسته است که رتبه‌اش ۲۰ هزار بوده است؛ معلوم است دانشجویی که رتبه‌اش ۱۰۰۰ است انگیزه ندارد و این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید چنین اتفاقی بیفتد؟ من معتقدم اگر یک دانشجو معلم، پس از گذشت چند ترم هنوز بگوید من انگیزه ندارم به دلیل چنین مقایسه‌هایی است؛ فردی که با رتبه بدتر از او در یکی از رشته‌های پیراپزشکی تحصیل می‌کند، در آینده درآمد بیشتری خواهد داشت. این مقایسه‌هاست که انگیزه‌ها را از بین می‌برد.

• جای چه درس‌ها یا برنامه‌هایی را در رشته آموزش شیمی خالی می‌بینید؟

کریمی‌زاده: به نظر من جای هیچ درسی خالی نیست بلکه جای استادهای مسلط به درس‌ها خالی است. من فکر می‌کنم استادان دانشگاه فرهنگیان باید خود، معلمی کرده باشند تا بتوانند دانشجومعلمان را خوب تربیت کنند. برخی از آنان سابقه معلمی ندارند و با مفاهیم مرتبط با تربیت معلم ناآشنا هستند. این مورد به‌ویژه در درس‌هایی مانند کارورزی بسیار تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد در این زمینه، استادانی کاربلد جذب دانشگاه نمی‌شوند. با وجودی که سرفصل‌های آموزش شیمی در مقایسه با دبیری شیمی تقریباً کامل است اما این سرفصل‌ها به‌طور کامل پوشش داده نمی‌شوند. درس‌های مهمی مانند راهبردهای تدریس در آموزش شیمی، اغلب به صورت ارائه کنفرانس و به شیوه سخنرانی، توسط دانشجویان برگزار می‌شود و سرفصل‌ها هم به‌طور کامل پوشش داده نمی‌شود. با وجودی که ما ترم هفتم را می‌گذرانیم، بررسی متون درسی شیمی دبیرستان را نداشته‌ایم. از آنجا که محتوای کتاب‌های درسی شیمی در نظام جدید تغییر کرده، لازم است برای تدریس آن‌ها آموزش کافی و مناسب را ببینیم. همچنین برای کلاس‌های حل تمرین هم زمینه‌سازی نشده است که به‌ویژه در درس‌های تخصصی بسیار



دکتر زکیه اکرمی
استادیار گروه آموزش شیمی
دانشگاه فرهنگیان اصفهان



شود تا معلم به دانش تخصصی مجهز شود و بقیه موارد به نظر من ضرورتی ندارد. نمی‌دانم اشکال کار از سرفصل‌ها، از استاد یا چه چیز دیگری است اما شرایطی پیش آمده است که درس‌ها به کار معلمی نمی‌آید. از سویی، تعداد واحدها در مقایسه با دانشگاه‌های دیگر ۲۰ واحد بیشتر است. در برخی درس‌های تخصصی و پایه با اینکه سرفصل با دانشگاه‌های دیگر یکی است اما واحد و ساعت اختصاص داده شده به آن کمتر است.

عمیدی فر: من فکر می‌کنم که مقدار درس‌های عمومی، تربیتی و تخصصی کافی هستند. متأسفانه، واقعیت این است که درس‌های عمومی و تربیتی اهمیت زیادی داده می‌شود اما حتی یک‌سوم آن در مورد درس‌های تخصصی وجود ندارد به طوری که در برخی از درس‌های تخصصی تنها نیمی از سرفصل‌ها تدریس می‌شود و بقیه، به ترم‌های بعدی موکول می‌شود.

احمدی: سرفصل زیاد و ساعت کم از مشکلاتی است که باعث می‌شود استاد از سروته سرفصل‌ها بزند. بیشتر استادان درس‌های تخصصی ابراز نارضایتی می‌کنند که نمی‌توانند سرفصل را تمام کنند. برای نمونه، برای تدریس میحث تقارن در درس شیمی معدنی ۱، بنا بر سرفصل، دو هفته برنامه‌ریزی شده است در حالی که، پس از ۶ هفته، هنوز این مطلب تمام نمی‌شود. همه جا گفته می‌شود که دانشگاه فرهنگیان با بقیه دانشگاه‌ها فرق دارد اما وقتی به موضوع سرفصل و استاد و ... می‌رسیم می‌گوییم که در بقیه دانشگاه‌ها هم همین‌طور است. قرار است ما معلم شویم. تا مطالب را به خوبی درک نکرده باشیم نمی‌توانیم در آینده آن را به دانش آموزان، آموزش دهیم. بخشی از مشکل به برنامه‌ریزان سرفصل‌های درسی بر می‌گردد که تناسب حجم و ساعت را رعایت نکرده‌اند و بخشی هم به خود مرکز بر می‌گردد که برنامه استاد و کلاس‌ها را

ضرورت دارد.

دهقانی: من با نظر آقای کریمی‌زاده مخالفم. نمی‌توان گفت که هر استادی که سابقه معلمی ندارد استاد بدی است و برعکس. کسی که سابقه معلمی دارد، لزوماً استاد خوبی نیست.

عمیدی فر: من هم فکر می‌کنم یک استاد دانشگاه فرهنگیان، هم باید از نظر علمی قوی باشد و هم توانایی تدریس در دانشگاه فرهنگیان را بنابر منطق و اساسنامه دانشگاه داشته باشد و داشتن سابقه معلمی کفایت نمی‌کند.

محمودزاده: به نظر من درس‌ها اضافی هم هستند!! کیفیت مهم‌تر از کمیت است و من فکر می‌کنم چون قرار است ما معلم شویم نه شیمی‌دان، پس نیازی به گذراندن برخی درس‌ها نیست. برای نمونه، درس شیمی معدنی ۳ را بدون اینکه درک درستی از آن داشته باشیم می‌گذرانیم. از سوی دیگر سرفصل درس‌ها تناسبی با ساعت اختصاص داده شده به آن‌ها ندارد. بهتر است به جای درس‌هایی که مناسب ادامه تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی هستند، درس‌های بررسی متون دبیرستان و مباحثی که به‌طور اختصاصی مربوط به تدریس شیمی هستند اضافه شوند. درس‌های تخصصی تا جایی که احاطه معلم را به مطالب کتاب درسی ایجاد کند و مفاهیم مرتبط با آن‌ها را شامل شود کافی است؛ مثلاً اینکه من بدانم که کمپلکس دنداندار چیست در تدریس معلمی من در آینده به چه کاری می‌آید!؟!

یاوری: باید درس‌های تحلیل محتوا و بررسی کتاب‌ها جزء واحدهای هر ترم باشد. با شرایط کنونی، ما برای معلمی آماده نمی‌شویم. هدف دانشگاه فرهنگیان باید تربیت یک معلم خوب شیمی باشد، نه یک شیمی‌دان خوب. باید مطالب کتاب‌های درسی دبیرستان به‌صورت پیشرفته‌تر و تخصصی‌تر آموزش داده



مهدی یآوری
دانشجوی ترم ۷ آموزش شیمی
پردیس شهید باهنر اصفهان

بهتر است به جای درس‌هایی که مناسب ادامه تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی هستند، درس‌های بررسی متون دبیرستان و مباحثی که به‌طور اختصاصی مربوط به تدریس شیمی هستند اضافه شوند

طوری می‌چیند که حتی کلاس خالی برای برگزاری کلاس حل تمرین وجود ندارد. در مورد درس‌های کارورزی هم بهتر است که از همان سال اول شروع شود تا دانشجو معلم بتواند در مدت چهار سال، به حد کافی تجربه کسب کند. سرفصل کارورزی هم باید طوری تغییر کند که دانشجو بیشتر در فرایند تدریس درگیر شود و مثل الان نباشد که پس از گذراندن درس کارورزی ۱، تازه در درس کارورزی ۲، تدریس خود را شروع می‌کند. در کل، به نظر من باید درس‌ها کمتر هم بشوند نه اینکه چیزی اضافه شود. متأسفانه برخی درس‌ها همپوشانی موضوعی زیادی دارند و بدتر اینکه استادشان هم یکی است و یک استاد، موضوع‌های مشابه را در دو ترم تدریس می‌کند!!

دهقانی: من فکر می‌کنم چون هنوز ترم سوم هستیم نمی‌توانم در این مورد اظهار نظر کنم اما وقتی می‌بینم دانشجویان سال آخر می‌گویند که سواد کافی و لازم را برای تدریس ندارند یا در مقایسه با دانشجویان دانشگاه‌های دیگر سواد علمی کمتری دارند ناراحت می‌شوم. من نمی‌دانم که آیا سرفصل‌ها کمتر از دانشگاه‌های دیگر است، سرفصل‌ها به درستی و کامل تدریس نشده است یا برخی استادان خوب تدریس نکرده‌اند که دانشجو، در ترم هفتم چنین احساسی دارد. وقتی که استاد تسلط ندارد که درس را پیش ببرد یا برای تدریس سرفصل‌ها، درست برنامه‌ریزی کند اگر هزار برنامه درسی هم نوشته شود مؤثر واقع نخواهد شد. من حالا که در ترم سوم هستیم، می‌بینم که در درس‌های تربیتی افراط شده است. برخی درس‌ها همپوشانی موضوعی زیادی دارند از جمله نظام تربیتی و سیره تربیتی که در دو ترم متوالی ارائه شده‌اند. من فکر می‌کنم باید درس‌های مشابه را در هم ادغام کنند. متأسفانه امسال درس‌هایی هم به‌صورت مجازی ارائه شده‌اند که فقط باید گفت «دیگر نور علی نور است!»

نکونام: در درس‌های تخصصی بین حجم سرفصل‌ها با تعداد واحد و ساعت تدریس آن‌ها تناسبی وجود ندارد. از سوی دیگر، بیشتر وقت ما در دانشگاه، صرف درس‌های غیر تخصصی می‌شود. **شجاعی‌مهر:** من فکر می‌کنم که تعداد واحدهای تخصصی ما همین حالا هم کمتر از دانشگاه‌های دیگر است و کم کردن دوباره آن‌ها و اضافه کردن درس‌هایی مانند تحلیل محتوا و روش تدریس هم، دردی را دوا نمی‌کند زیرا شیوه ارائه این درس‌ها، اغلب به‌صورت سخنرانی است و کارایی چندانی ندارند. در شیوه اجرای کارورزی هم مشکلاتی هست برای نمونه، دانشجویان یک ترم مجبورند فقط بنشینند و مشاهده‌گر کلاس باشند یا کار دفتری انجام دهند. از سوی دیگر، من فکر می‌کنم که در دو ترم اول به قدری، درس‌های عمومی و تربیتی داریم



مجید عمیدی فر
دانشجوی ترم ۷ آموزش شیمی
پردیس شهید باهنر اصفهان

که دانشجوی علوم پایه به کم‌کاری و تن‌پروری عادت می‌کند، با این تصور که برای گذراندن چنین درس‌هایی به دانشگاه آمده است در نتیجه، مدام سر کلاس به استاد می‌گوید که صحبت در این موارد، دیگر کافی است. نکته دیگر این است که دانشجویان فکر می‌کنند باید هر چهارشنبه یا پنج‌شنبه بروند خانه؛ با این شرایط پیشرفتی حاصل نمی‌شود. دوستان خوابگاهی من که سال آخر هستند می‌گویند که به‌عنوان معلم، آمادگی کافی برای حضور سر کلاس را ندارند. بخش بزرگی از آن به خاطر کم‌کاری خودشان است. چون در چند ترمی که درس کارورزی داشتند، باید کتاب‌های درسی را مرور و بررسی می‌کردند. از طرفی نمی‌توان خط به خط کتاب‌های درسی دبیرستان را سر کلاس دانشگاه بررسی کرد، چون این کار بسیار خسته‌کننده است.

• درس‌های کارورزی تا چه اندازه در تقویت مهارت‌های معلمی شما سودمند بوده است؟

کریمی‌زاده: خیلی زیاد. در درس کارورزی ۲، به دلیل مشکلی که برای معلم مدرسه پیش آمده بود، من اداره کل کلاس را در روز کارورزی به عهده داشتم و حق‌التدریس این کار را هم دریافت می‌کردم. در آن یک ترم، بیش از سه سالی که در دانشگاه درس خواندم تجربه کسب کردم. به نظر من تعریف که «درس کارورزی ۱ برای مشاهده است، کارورزی ۲ برای تدریس خرد است و ...» را باید کنار بگذارند و از همان اول، تدریس (لااقل تدریس خرد) را شروع کنند. اینکه بدانیم مدرسه چند طبقه است، چند کلاس دارد و در هر کلاسش چند صندلی است، خیلی کاربردی نیست. توجه نبودن معلمان راهنما، یکی از مشکلات ماست. معلمان راهنما نمی‌دانند باید با ما چکار کنند؛ یا کلاس را به‌طور کامل در اختیار ما می‌گذارند یا می‌گویند فقط انتهای کلاس بنشینیم و مشاهده کنیم. بهتر است دوره‌هایی برای آن‌ها گذاشته شود و نسبت به کارورزی توجه شوند.

محمودزاده: بهترین واحدی که گذراندم درس کارورزی بوده است. هم از نظر شخصیتی باعث رشد اعتمادبه‌نفس من شده و هم علاقه مرا نسبت به معلمی بیشتر کرده است.

یاوری: کارورزی باعث شد که دوری دو ساله‌ای که با مدرسه پیدا کرده بودیم از بین برود، اعتمادبه‌نفس مرا بالا برده و باعث شده بتوانم راحت حرف خود را بزنم.

• آیا در مجموع درس‌های ارائه شده را در افزایش دانش، تقویت مهارت‌ها و ایجاد نگرش‌های لازم برای دبیری شیمی موفق می‌دانید؟ چرا؟

احمدی: هنوز زود است که بخواهم در این مورد اظهار نظر کنم چون ما هنوز کارورزی نرفته‌ایم که ببینیم آیا این درس‌ها سودی دارند یا نه. درس معارف اسلامی هم تا اینجایی که گذراندیم تأثیر زیادی روی نگرش ما نداشته است چون کسانی که در دانشگاه فرهنگیان پذیرش می‌شوند مرحله گزینش را پشت سر گذاشته‌اند و به مباحث اعتقادی باور داشته‌اند. اما



محبوبه احمدی
دانشجوی ترم ۳ آموزش شیمی
مرکز شهید رجایی اصفهان

چون قرار است ما معلم شویم نه شیمی دان، پس نیازی به گذراندن برخی درس ها نیست. برای نمونه، درس شیمی معدنی ۳

درس های تخصصی که این ترم داریم نگرش جدیدی نسبت به شیمی در ما ایجاد کرده است. یادگیری این درس ها به زمان و کار بیشتری نیاز دارد و پی بردیم که تدریس و معلمی کردن کار آسانی نیست.

کریمی زاده: قطعاً مؤثر بوده است که انگیزه بیشتری پیدا کرده ام. البته کاستی هایی هم وجود دارد. زمانی که ما وارد دانشگاه شدیم به مباحث دبیرستان کاملاً مسلط بودیم اما اکنون گاهی از حل ساده ترین تست ها هم بازمی مانیم. من فکر می کنم از نظر دانشی، لاقط در سطح کتاب های دبیرستانی، چیزی به ما اضافه نشده است.

محمودزاده: در بعد دانشی زیاد مؤثر نبوده و شاید کم کاری از جانب خودمان بوده است. اما در بعد مهارتی بسیار مؤثر بوده است. در کارورزی این مهارت تقویت شد و ما این افزایش مهارت را در مقایسه با ترم های قبلی، کاملاً احساس می کنیم.

عمیدی فر: روی من اثر زیادی نداشته است. دانشگاه باعث نشد اطلاعاتی که از قبل داشتم حفظ شود. البته اینکه بیشتر تسلط علمی معلم مهم است یا بعد رفتاری معلم، کاملاً بستگی دارد که در چه مدرسه و محیطی قرار است تدریس کنیم. در مدارس خاص و نمونه دولتی، تسلط علمی معلم مهم تر است اما در مناطق حاشیه ای شهر و مدارس که دانش آموزان هر یک دارای مشکلی خاص هستند، بعد رفتاری معلم مهم تر است. ادغام دانش و مهارت است که از ما یک معلم خوب و شاخص می سازد.

• برای افزایش رضایت مندی دانشجویان رشته آموزش شیمی از درس ها چه پیشنهادی برای تدوین کنندگان سرفصل ها دارید؟

عمیدی فر: نمی توانم اظهار نظر دقیق کنم اما اگر درس های تخصصی در راستای کتاب های دبیرستان بودند و همان مطالب را به صورت گسترده تر و مفهومی تر بیان می کردند، مؤثرتر بود. مشکل عدم پیوستگی در ارائه درس های تخصصی هم هست. برای نمونه، درس شیمی آلی ۱ در ترم سه، شیمی آلی ۲ در ترم پنج و شیمی آلی ۳ در ترم هفت ارائه می شوند. در مورد درس های تخصصی دیگر هم همین وضعیت حاکم است. از سوی دیگر، آزمایشگاه هر درس هم همزمان با درس ارائه نمی شود. آسان گرفتن درس های تخصصی از سوی برخی استادان هم باعث شده است که دانشجو نیازی نبیند که درس های قبلی را یاد بگیرد یا به یاد داشته باشد.

کریمی زاده: تا جایی که من اطلاع دارم در برخی پردیس ها، جابه جای هایی در فهرست ارائه درس ها انجام گرفته است تا پیوستگی در ارائه درس های تخصصی حفظ شود.

درس های کارورزی هم بهتر است که از همان سال اول شروع شود تا دانشجو معلم بتواند در مدت چهار سال، به حد کافی تجربه کسب کند. سرفصل کارورزی هم باید طوری تغییر کند که دانشجو بیشتر در فرایند تدریس درگیر شود

شجاعی مهر: برخی دروس تلفیقی - تربیتی کارایی لازم را ندارند چون فقط به شیوه سخنرانی ارائه می شوند.

• ترجیح می دهید تحصیلات تکمیلی خود را در رشته آموزش شیمی ادامه دهید یا در رشته دیگری؟ چرا؟

شجاعی مهر: رشته آموزش شیمی را ادامه نمی دهم، چون فکر می کنم پس از چند سال تدریس، مهارت لازم را کسب می کنم. پس اگر قرار باشد ادامه تحصیل بدهم رشته ای را انتخاب می کنم که دانش جدیدی به من بدهد. احتمالاً از واحدهای تخصصی آموزش شیمی هم آن قدر کم کرده اند که واحدهای باقی مانده آن جوابگوی من برای ادامه تحصیل نیست. متأسفانه چیزی که من زیاد در دانشگاه می بینم، این است که تعداد زیادی از دانشجویان دارند برای کنکور مجدد درس می خوانند. **نکونام:** رشته دیگری به جز آموزش شیمی را انتخاب می کنم، چون ترجیح می دهم در تحصیلات تکمیلی چیزهای جدیدی یاد بگیرم.

دهقانی: با اینکه دانشگاه از حد انتظار من پایین تر بوده است اما چون استادان خوبی داریم و چون به آموزش شیمی علاقه دارم، آن را ادامه می دهم.

احمدی: قطعاً رشته دیگری را ادامه می دهم.

کریمی زاده: من دارم خودم را برای کنکور کارشناسی ارشد آموزش شیمی امسال آماده می کنم.

محمودزاده: برای پذیرش در رشته پزشکی، دوباره کنکور می دهم. هر چند نمی دانم با قبولی در رشته پزشکی به نتیجه مورد نظرم می رسم یا نه اما قطعاً از نظر روحی راحت تر خواهم بود.

یاوری: نه. رشته تاریخ می خوانم.

عمیدی فر: احتمالاً در دوره کارشناسی ارشد، گرایش شیمی فیزیک را انتخاب می کنم.

• اینکه دانشگاه فرهنگیان در ارائه رشته آموزش شیمی رقیب دیگری ندارد، چه تأثیری می تواند بر کیفیت تربیت معلم شیمی، در کشور داشته باشد؟

عمیدی فر: به نظر من اینکه فقط دانشگاه فرهنگیان این کار را انجام می دهد اشکالی ندارد. اما باید عاملی باشد که بین خود دانشجویان رقابت ایجاد کند. آزمون جامع ایده خوبی بود که متأسفانه اجرایی نشد و با وجود مشکل کمبود معلم بعید است که عملیاتی شود. اگر همه پیش شرط های آزمون جامع فراهم شود یعنی استاد خوب تدریس کند و سرفصل ها رعایت شوند، برگزاری آزمون جامع باعث ایجاد رقابت میان دانشجویان می شود چون اگر بدانند با عدم قبولی در این آزمون، استخدام



فاطمه دهقانی
دانشجوی ترم ۳ آموزش شیمی
مرکز شهید رجایی اصفهان



ملیکا نکونام
دانشجوی ترم ۳ آموزش شیمی
مرکز شهید رجایی اصفهان

بخشی از مشکل به برنامه ریزان سرفصل های درسی بر می گردد که تناسب حجم و ساعت را رعایت نکرده اند و بخشی هم به خود مرکز بر می گردد که برنامه استاد و کلاس ها را طوری می چیند که حتی کلاس خالی برای برگزاری کلاس حل تمرین وجود ندارد

آن ها منتفی است تلاش بیشتری می کنند.
کریمی زاده: دادن حکم استخدام رسمی به دانشجو معلمان در بی انگیزگی آنان بسیار مؤثر است. وجود رقیب قطعاً در ارتقای سطح دانشگاه موثر است.

یاوری: انحصار همیشه بد است و باعث افت کیفیت می شود.
محمودزاده: باعث افت کیفیت می شود. یکه تاز یک میدان بی رقیب بودن خوب نیست.

احمدی: دانشگاه ما رابطه خودش را با دانشگاه های دیگر قطع کرده و دور خودش یک حصار کشیده است به طوری که نمی توان با دانشگاه های دیگر همکاری داشت. دانشگاه های دیگر از نظر نشریات، انجام کارهای پژوهشی و برگزاری همایش ها فعال هستند. انحصار رقابت را از بین می برد و باعث می شود که یک سطح پایین به عنوان سطح ایده آل در نظر گرفته شود و تلاشی جهت بهبود، انجام نگیرد. نکته دیگه این است که در گزینش دانشجو معلمان ممکن است صلاحیت کسی که در گزینش رد شده، از نظر علمی، مهارت های معلمی، رفتاری و گفتاری بهتر از کسی باشد که پذیرفته شده است. این مسئله می تواند باعث شود کسانی که صلاحیت کمتری دارند، معلم شوند.

دهقانی: عدم امکان برگزاری نشست های مشترک بین پردیس های دختران و پسران، به ویژه در بحث انجمن های علمی، باعث کاهش سطح علمی دانشگاه شده است. نشست های را که می تواند با یک هزینه، به طور مشترک بین مراکز دختران و پسران برگزار شود باید با دو هزینه جداگانه اجرا کرد.
نکونام: انحصار خوب نیست و علاوه بر آن دانشگاه محدودیت هایی را در بحث فعالیت ها و تشکل های دانشجویی ایجاد می کند که مناسب نیست.
شجاعی مهر: بی رقیب بودن باعث ساکن بودن و عدم پیشرفت می شود.

• میزان رضایت شما از تحصیل در دانشگاه فرهنگیان چه قدر است؟ چرا؟

شجاعی مهر: کم. دانشگاه هم از نظر علمی و هم از نظر مهارتی، ضعیف عمل می کند.

نکونام: کم. با شاخص های دانشگاهی فاصله زیادی دارد.
دهقانی: متوسط، چون خودم این رشته را دوست دارم و امکانات و خوب بودن سطح علمی استادانمان را نمی توانم انکار کنم.

احمدی: از طریق کاهش سطح انتظارات خودم و ارتباط با دانشگاه های دیگر، سعی می کنم رضایت مندی ام را افزایش

دهم.

کریمی زاده: عالی. بهترین دوران زندگی من در دانشگاه بوده است. گرفتن جوایز متعدد، شرکت در همایش های فراوان، سفرهای زیاد و ... همه و همه در دانشگاه برای من اتفاق افتاده است.

محمودزاده: ناچیز. زیرا در دانشگاه در حد لازم، به دانشجوی احترام گذاشته نمی شود، امکانات رفاهی اندکی برای دانشجوی در نظر گرفته می شود از جمله غذاهای نامناسب که برای اغلب ما مشکلات گوارشی ایجاد می کند و ...

یاوری: ناچیز. زیرا همواره آنچه به ضرر ماست، اجرا می شود. ما هیبریدی از دانشجوی و معلم هستیم؛ هر جا که کارمند بودن به ضرر ماست، ما کارمندیم. در روز دانشجوی، ما معلم هستیم و در روز معلم، دانشجوی.

عمیدی فر: متوسط. چون مجموعه ای از اتفاقات خوب هم در طول این سه سال افتاده است از جمله گذراندن درس کارورزی و استقلالی که کسب کرده ایم. بنابراین نمی توان گفت که رضایت ما ناچیز است.

• مهم ترین چالش های شما در دانشگاه چیست؟ فقط نام بپسند.

عمیدی فر: کمبود کارهای پژوهشی، عدم برگزاری سمینارها و همایش ها.

یاوری: استقبال کم از کانون ها، تشکل های دانشجویی، سختی مجوز گرفتن برای برگزاری نشست ها و جلسات.

محمودزاده: احترام نگذاشتن به دانشجوی.

کریمی زاده: بی انگیزه بودن دانشجویان، حاشیه هایی که برای برخی ایجاد می شود، به ویژه کسانی که می خواهند فعالیت های پژوهشی، فرهنگی داشته باشند و حسادت بین دانشجویان.

احمدی: پذیرش دانشجوی زیاد، نبود فضا و امکانات کافی برای این تعداد دانشجوی.

دهقانی: امکانات کم. انتظار می رود وقتی اعتراضی می کنیم یا پیشنهادی می دهیم ترتیب اثر داده شود یا لاقبل با تندی جواب ندهند. البته بگویم که من دیگر، دانشگاه و امکانات آن را رها کرده ام و مهم ترین چالشی که دارم این است که شخصاً چقدر می توانم دانش و مهارت خودم را بالا ببرم و خودم را برای کاری که در آینده متعهد به انجام آن شده ام، آماده کنم. یعنی بزرگ ترین چالش من با خودم هست و کسب دانش و مهارت و ایجاد نگرش مثبت در خودم.

نکونام: عدم رقابت سازنده، نبود تلاش و تکیه بین دانشجویان که به نظر می رسد هدفشان فقط گذراندن درس ها و گرفتن نمره است.

شجاعی مهر: عدم برنامه ریزی در پذیرش تعداد دانشجوی، اینکه چرا باید سال های متمادی دانشجوی معلم گرفته نشود یا بسیار کم گرفته شود و بعد در یک مقطع زمانی کوتاه، تعداد بسیار زیادی دانشجوی پذیرفته شود؟



بهاره شجاعی مهر
دانشجوی ترم ۳ آموزش شیمی
مرکز شهید رجایی اصفهان